



قوانین کیفیری در اسلام

قسمت اول

بررسی عناوین

دادستان کل انقلاب

«بزرگترین خرابی که پهلوی بار آورد خرابی فرهنگ و تهی کردن مغزها بود»

البته بسیار جای خوشوقتی است که انقلاب اسلامی بیشترین نقش خود را در تغییر دادن آن مسیر غلط بسوی یک فرهنگ اسلامی در تمام شئون زندگی اجتماعی جامعه ما ایفا نموده است و در طول سه سال گامهای بزرگ و ارزنده‌ای اقشار مختلف ملت ما و مسئولین دلسوز برداشته‌اند اکنون جوانان و نوجوانان عزیز ما به یاد گرفتن فرهنگ قرآن و احکام اسلام روآورده و دنبال گمشده خود با تمام نیرو میگردند آموزش و پرورش طبق قانون اساسی به یاد دادن زبان عربی

علمی آن سوق دهند از طرفی بروج فحشاء و منکر مواد مخدر، الکل و مشروبات الکلی توسط رسانه‌های گروهی روزنامه‌ها، مجلات و فیلمهای سکسی و غیره می‌پرآذختند و از سوی دیگر با تبلیغات مسموم و دامنه‌داریکه میان مردم شده بود آنان را از آشنائی به اسلام و یاد گرفتن قرآن نه تنها دور نگاهداشتند بلکه متنفر و منزجر نموده بودند و جز عده‌ی معدودی از روحانیت معظم و طلاب عزیز و تعداد بسیار کمتری از جوانان دانشجو و دانشمندان متعهد اطلاعی از اسلام و احکام اسلام و اسناد و مدارک مذهبی و کتابهای اسلامی ما نداشتند. با اینکه اکثر کتابهای اسلامی ما عربی است یاد گرفتن دستور زبان عربی در مدارس ما یا اصلاً نبود یا جز اسم چیزی نبود، همانطور که امام امت بارها فرموده‌اند:

همه میدانیم که یکی از طرحهای خائنانه استعمار در کشورهای ضعیف و مستعمره بالخصوص کشورهای اسلامی دورنگهداشتن آنها از فرهنگ اصیل خود و معارف و مسائل اسلام و قرآن از یکسو و سوق دادن ملت‌های مسلمان بسوی فرهنگ غربی و فحشاء و منکر بود و در این میان ایران عزیز ما نیز از این مسئله مستثنی نبود سالهای متمادی مردم مسلمان ایران اعم از شیعه و اهل تسنن را از اسلام و قرآن اجنبی کردند بالخصوص ایام سلطنت رضاخان و پسرش با روشهای مختلف تلاش بر این بود که مردم را بسوی غرب زدگی آنهم تنها در فحشاء و منکر و فساد اخلاقی و یا مظاهر زندگی مادی و در پوشاک و لباس و غذامنها و تمدن و پیشرفتهای صنعتی و

اقدام نموده و در ساختن نیروهای انسانی و امیدهای آینده ما در مدارس نقش بسزائی دارد و رادیو تلویزیون نقش مهمتری میتواند داشته باشد که البته می شود گفت که قدمهای مثبتی برداشته لکن امید است که بیش از پیش در نشر فرهنگ اسلامی کوشا باشیم، و من فکر میکنم که یکی از مهمترین علل این همه درگیری های داخلی و تجاوزات خارجی و جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و آشوبهای گروهکهای محارب اینستکه ما را از مسئله فوق بازدارند و نتوانیم با تمام نیرو در نشر فرهنگ اسلامی کوشا باشیم و علاوه از بی فرهنگیها و جهالت و انحرافات افراد منحرف و جاهل بسیار بتوانند در ایجاد و آشوبها و جنایتها بهره برداری کنند و یکی از مسائل مهم اسلامی و حیاتی که نقش تعیین کننده در جامعه ما دارد مسئله قضا و کیفر در اسلام است و متأسفانه از همه مسائل اسلامی بیشتر در میان ملت های مسلمان غریب و مجهول مانده است و با توجه باینکه الان دادگاههای انقلاب اسلامی احکام خود را بر مبنای قوانین اسلام صادر میکنند و دادگستری ما می رود که انشاء... با همت مسئولین به یک دادگستری صددرصد اسلامی تبدیل شود و مجلس شورای اسلامی برای تصویب قوانین کیفری و جزائی اسلام آماده میشود لازم است که مردم مسلمان ما نیز به احکام حیات بخش مذکور آشنا شوند لذا ما بر آن شدیم که بحول و قوه الهی و با استفاده از متون قرآن و روایات و کلمات و فتاوی فقهای بزرگ اسلام همراه مقرداری از احکام کیفری اسلام را با قلم ساده بنویسیم امید آنکه مورد استفاده همگان قرار گیرد البته سعی میکنیم که پس از استفاده از آیات

و روایات و نقل فتاوی فقهای معروف شیعه فتوای امام امت نیز اگر نظر خاصی داشته باشند نقل کنیم.

بجهت اینکه دادگاههای انقلاب اسلامی در احکامیکه صادر میکنند بالخصوص در رابطه با جرائم اجتماعی و گروهکهای ضدانقلاب محارب و تروریسم از عناوین مختلف استفاده میکنند ما ابتدا همان عناوین را مورد بررسی قرار میدهیم سپس مسائل دیگر. عناوین مذکور عبارتند از: باغی- محارب- مفسد- مرتد

مسئله اول: باغی

باغی در لغت از ماده بغی است که بمعنای ظلم و تجاوز و طلب کردن چیزی را که حق طلب ندارد آمده است، و در اصطلاح فقهای اسلام و شیعه باغی به کسی یا گروهی و یا سازمان مسلمانی اطلاق میشود که علیه حکومتی خروج کنند و بشورند که در رأس آن حکومت رهبری عادل با شرایط رهبری قرار دارد ما قبل از آنکه شرائط و احکام مربوط به باغی را از روایات و فتاوی فقهای بزرگ نقل کنیم، ریشه قرآنی این عنوان را بحث میکنیم.

در سوره حجرات آیه ۹ میفرماید:

وان طائفتان من المؤمنین اقتتلوا فاصلحوا بینهما فان بغت احدهما علی الاخری فقاتلوا الی تبغی حتی تفسی، الی امرالله فان فاعت فاصلحوا بینهما بالعدل واقسطوا ان الله یحب المقسطین.

همانطور که میدانید سوره حجرات از اولین آیاتش که شروع شده است در باره کیفیت رفتار مردم با رسول الله در زمان آنحضرت سخن میگوید و مردم را

باطاعت رسول الله دعوت میکند و از تمرد و بدرفتاری و افراط و تفریط در برابر ایشان نهی میکند تا برسد به آیه ای که فوقا ذکر شد معنای آیه: آیه باعتبار آیه ۶ و ۷ خطاب به مؤمنین است و میفرماید اگر دیدید که دو طایفه از مؤمنین با همدیگر به ستیز و مبارزه برخاسته اند در مرحله اول تا میتوانید میان آن دو را اصلاح دهید و هر دو را بسوی صلاح دعوت نمائید و اگر یکی از دو طرف حرف صلاح را نشنیدند و به تجاوز و زورگوئی خود ادامه دادند وظیفه شما مؤمنین اینستکه مبارزه کنید و بجنگید با آن طایفه ای که ظلم میکند مادامیکه با امر خدا و صلاح بین مردم گردن نهاده است و اگر برگشت و اطاعت امر خدا را نمود- با رعایت عدل و قسط- میان آن دو اصلاح دهید. تنها آیه ای که فقهای بزرگ ما از آن استفاده کرده اند و درباره باغی و احکام آن استدلال نموده اند همین آیه است و همانطوریکه میبینید وجوب مبارزه و جنگیدن با طائفه باغی بوضوح استفاده میشود و لذا فقهاء فتوا می دادند بر کسانی که امام دستور دهد که در برابر طایفه باغی قیام کنند قیام و مبارزه کردن واجب است و ترکش حرام، مرحوم شیخ طوسی رضوان الله علیه از علمای بزرگ قرن چهارم هجری هستند در کتاب نهایه خود می نویسند «کل من خرج علی امام عادل و نکث بیعتة و خالفه فی احکامه فهو باغ، و جاز للامام قتاله و مجاهدته و یجب علی من یستنهضه الامام فی قتالهم النهوض معه و لا یسوغ له التأخر عن ذلك.

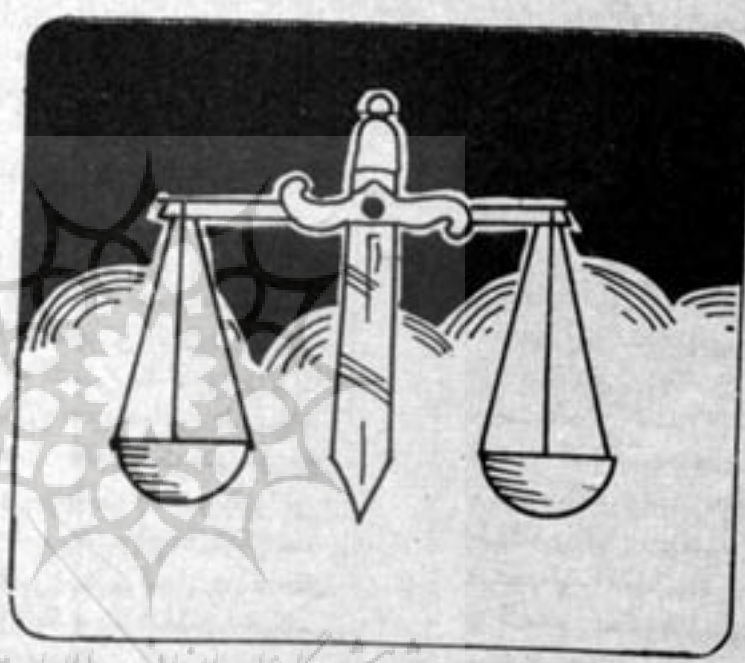
هر کسیکه علیه امام عادل خروج کند و بیعت امام را بشکند و او امر او را مخالفت کند باغی محسوب می شود و جایز است که امام با او مبارزه و قتال کند

و کسانی را که امام آنانرا دعوت به قیام علیه بفاة میکنند واجب است قیام کنند و جایز نیست که دستور امام را در این زمینه بتاخیر بیندازند.
 مرحوم علامه حلی از فقهای بزرگ قرن هشتم هجری در کتاب تذکره میفرماید:
قتال اهل البغی واجب بالنص والاجماع:
 مبارزه کردن با اهل بغی طبق

است از اطاعت امام خارج بشوند وزیر بقوانین حکومت اسلامی نروند.
 مرحوم محقق در شرایع و شهید اول و ثانی در لسمعه و شرح آن و صاحب جواهر در جواهر همه شبیه این عبارات را نقل کرده اند و در میان فقهای شیعه فقیهی نداریم که با حکم فوق مخالفت داشته باشد بلکه بیشتر فقها نقل اجماع نیز نموده اند و لذا ما بنقل

شده است مانند خوارج که امیرالمومنین علیه السلام را بعلت اینکه حکمیت را قبول نمودند کافر میدانستند و مانند جوانهای فریب خورده از گروهک محارب منافقین فعلی که در اثر تحریک و تبلیغ بزرگان نفاق و سرگروههای خودشان حکومت اسلامی را ارتجاعی یا بقول خودشان خرده بورژوازی و یا

استبدادی میدانند و شبیه برایشان ایجاد شده است این گروهها در فقه باغی محسوب میشوند و حکم باغی برایشان جاری است که لازم است در مرحله اول امام و یا نائب امام آنها را توجیه کند و شبهات آنانرا جواب دهد سپس اگر قبول کردند و در برابر حکومت اسلامی و امام عادل قیام کردند و دست باسلحه بردند واجب است که امام دستور مبارزه و جهاد با آنان را صادر نمایند بر مؤمنین واجب است که با آنها مبارزه کنند و اما اگر خروج آن گروه علیه امام از روی شبهه و اشکال نباشد بلکه برای قدرت طلبی و تجاوز و ظلم و یا عناد با امام و حکومت اسلامی باشد مانند خود معاویه و عمرو عاص (نه پیروان آنها) و مانند خود رجوی و بنی صدر و دیگران که با احتمال قوی خودشان بهتر میفهمند که در گفته خودشان ناحق هستند و دارند با حکومت اسلامی عناد میکنند در این صورت به آنها باغی اطلاق نمیشود بلکه محارب هستند و بعنوان محارب باید محاکمه شوند و یا با آنها مبارزه کرد البته در این مسئله بعضی از فقها مانند صاحب جواهر اشکال کرده اند و بنظر آنها حتی اگر شبهه نیز نداشته باشند و از قسم دوم باشند باز باغی صدق میکند و احکام باغی را باید جاری کرد. ادامه دارد



پروفسور کاظم انصاری و مطالعات فریبگی

اقوال فوق کفایت می کنیم و دنبال احکام باغی می رویم و سیر تاریخی این واژه که در زمان حکومت امیرالمؤمنین علیه السلام رخ داده است نقل می کنیم.
احکام باغی: (مسئله اول)
 گروههاییکه علیه امام خروج میکنند دو حالت بیشتر ندارند یا خروجشان علیه امام بجهت شبهه و اشکالی است که برایشان ایجاد شده است و بنظر خودشان امام را عادل نمی دانند و یا اگر عادل میدانند در عمل برایشان شبهه ایجاد

روایات و سنت و اجماع فقهای شیعه واجب است.
 مرحوم فاضل جواد کاظمی در کتاب مسالک الافهام خود که تفسیر آیات الاحکام است میفرماید: **وفی الایة دلالة علی وجوب قتال الفئة الباغیه وهی عندنا الطائفة الخارجة عن طاعة الامام المعصوم لشبهه عرضت لهم:**
 آیه شریفه دلالت دارد بر اینکه با گروه باغی جنگیدن واجب است و آنان کسانی هستند که بخاطر شبههای که برایشان عارض شده